

در کربلا حقیقت با انسان یگانه می‌گردد و چشیده می‌شود به جای آن که شنیده شود

شماره پرسش: ۲۴۹۸۹

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۸/۶/۱۲ ۰۳:۰۷:۱۰

متن پرسش

سلام: بنده از کودکی در خانواده و محیط خیلی مذهبی و انقلابی رشد کرده‌ام. ولی نگرانی که دارم این است که در جلسات روضه از شنیدن روضه و مقتل و مصایب خوشم نمی‌آید و پا میشم ولی آگه بصورت کنایه ای و آرام و بدون عوامانه خوانی شروع بخواندن اشعار لطیف حسینی کنند، آرام آرام اشک می‌ریزم و ارتباط می‌گیرم. همچنین هیچ وقت نتوانسته‌ام با زیارت عاشورا (بجز قسمت سلام) ارتباط روحی برقرار کنم و به زور چون سفارش شده گاهی می‌خوانم. همچنین بطور کلی از میان ائمه با امام حسین علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها کمتر می‌توانم انس بگیرم. با حضرت علی و امام رضا و امام زمان علیهم السلام ارتباطم راحت تر است. نجف برایم خیلی آرامش بخش است ولی کربلا برایم تلاطم و گرفتگی است. نمی‌دانم چرا حتی با مطالعه فراوان هم واقعه عاشورا برایم قابل درک و باور پذیر نیست. دلیل این همه گریه و بیان مصیبت‌ها مکررا برایم قابل فهم نیست. یک خودگذشتگی بوده و چون خود امام راضی بوده پس این همه گریه زاری ندارد. همچنین اینکه امام زمان هزار سال است برای این موضوع غمگین اند قابل فهم نیست. ایثاری بوده که خود امام از اجر آن بدون پرده مطلع بوده اند بنابراین گریه ندارد. (در ضمن بنده از آن دسته افرادی نیستم که قائل به اسلام رحمانی به معنای غلط آنند) خلاصه این موضوع مکنونا مرا آزار می‌دهد که قلبم مشکل دارد. چون شهدا راه و رسم زندگی و بندگی و شهادت خود را از امام حسین آموختند و مدام از کربلا سخن می‌گفتند و عاشقی می‌کردند ولی من نه.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این شرایط همین‌طور خوب است که در آن قرار گرفته‌اید، ولی به مرور سعی کنید روح تاریخی سخنان مقاتل را بیابید که در جای خود، نوعی حضوری متعالی است در آن حدّ که انسان احساس می‌کند در کنار حضرت سیدالشهداء «علیه‌السلام» و در پرتو شخصیت آن حضرت تنفس می‌کند. چیز عجیبی است گزارشی که مقاتل به‌خصوص «لُهوف» سید بن طاووس به میان آورده است موجب می‌شود که دوگانگی بین ما و واقعه یعنی این‌که به عنوان یک ناظر به صحنه بنگریم؛ از میان می‌رود و حقیقت، با انسان یگانه می‌گردد و کربلا چشیده می‌شود به جای آن‌که شنیده شود.

در موضوع دوم فکر می‌کنم بد نیست با کتاب «کربلا؛ مبارزه با پوچی‌ها» نسبت به رخداد کربلا، به کربلا

فکر کنید. قضیه‌ی کربلا فوق حرف‌هایی است که بتوان با الفاظ از آن گزارش داد، بیشتر، اشارت است به چیزی که انسان‌ها در جان خود از آن بیگانه نیستند. موفق باشید